



دیکته شب

اولی ها

په اساس آخرین اصلاحات فارسی اول دبستان



مریم احتشام زاده

فهرست مطالب

درس اول..... آ..... ا..... ب..... ب..... ۵.....

درس دوم..... ا..... ا..... د..... د..... ۶-۷.....

درس سوم..... م..... م..... س..... س..... ۸-۹.....

درس چهارم..... او..... او..... ت..... ت..... ۱۰-۱۱.....

درس پنجم..... ر..... ر..... ن..... ن..... ۱۲-۱۵.....

درس ششم..... ا..... ا..... ی..... ی..... ۱۶-۱۹.....

درس هفتم..... ا..... ا..... ه..... ه..... ش..... ش..... ۲۰-۲۳.....

درس هشتم..... ی..... ی..... ا..... ا..... ۲۴-۲۷.....

درس نهم..... ک..... ک..... و..... و..... ۲۸-۳۱.....

درس دهم..... پ..... پ..... گ..... گ..... ۳۲-۳۵.....

درس یازدهم..... ف..... ف..... خ..... خ..... ۳۶-۳۹.....

درس دوازدهم..... ق..... ق..... ل..... ل..... ۴۰-۴۳.....

درس سیزدهم..... ج..... ج..... ا..... ا..... استنا..... ۴۴-۴۷.....

درس چهاردهم..... ه..... ه..... چ..... چ..... ۴۸-۵۲.....

درس پانزدهم..... ژ..... ژ..... خوا..... خوا..... ۵۳-۵۶.....

درس شانزدهم..... ت..... ت..... ۵۷-۵۸.....

درس هفدهم..... ص..... ص..... ذ..... ذ..... ۵۹-۶۲.....

درس هجدهم..... ع..... ع..... ث..... ث..... ۶۳-۶۶.....

درس نوزدهم..... ح..... ح..... ۶۷-۶۸.....

درس بیستم..... ض..... ض..... ط..... ط..... ۶۹-۷۰.....

درس بیست و یکم..... غ..... غ..... غ..... غ..... ۷۱.....

درس بیست و دوم..... ظ..... ظ..... ۷۲.....



ر

درس ۵

مادر - آبرو - سرد - درس - مار - سرما - آرام - سارا

برادر - رود - آبر - دارد

بر - تر - در - سر - رو - را - رام - بار - تار - سار - نور

تور - دور - ترس - مرد - آرد - راست - روستا - راسو

دارو - دارا - رودسر - رودبار - سوسمار - مادرم - دستور

مادر آرام آمد.

سارا برادر دارد.

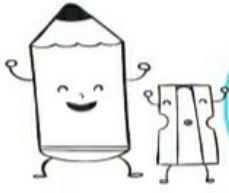
باد آمد.

آبر آمد.

مادر با سارا آمد.

رود آب دارد.

سارا توت دارد.



ت ز

تاب - دَسْت - دوست - ماست - توت - اَسْت - بَسْت

دوستَم - تَمَام - تَب - سوت - بَسْتَم

بابا تاب بَسْت.

او دَسْت داد.

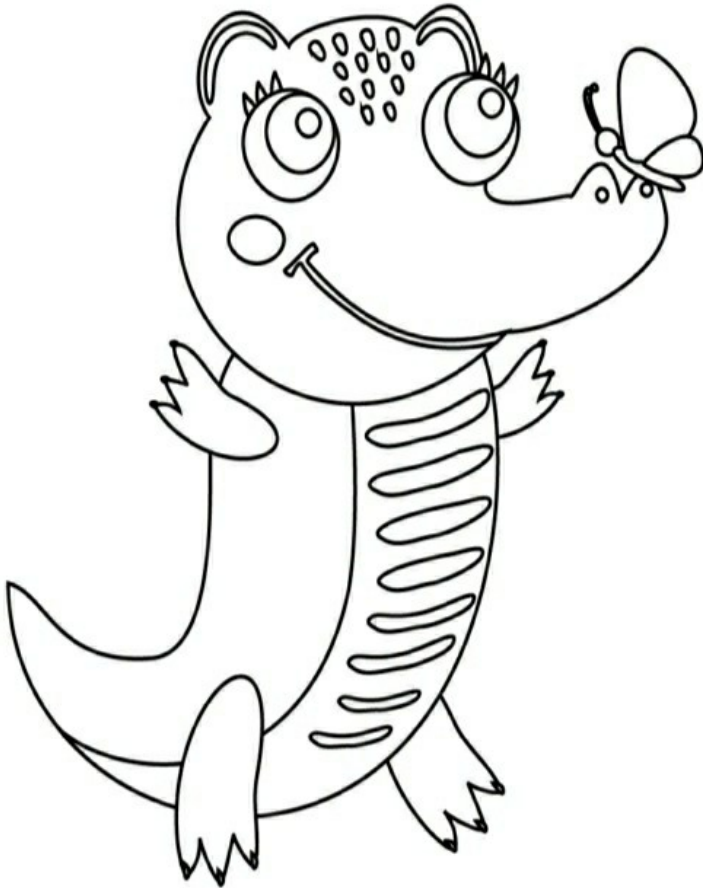
بابا ماست داد.

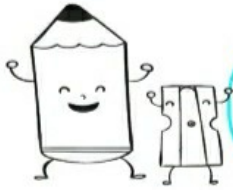
اَسَد با توت اَمَد.

او با ما دوست اَسْت.

با سام دَسْت دادَم.

دوستَم با سوت اَمَد.





او و

درس ۴

او- بو- مو- سو- سود- دود- بود- بودم

بوم- موم- بد بو- مسموم

او با آسب آمد.

باد بود.

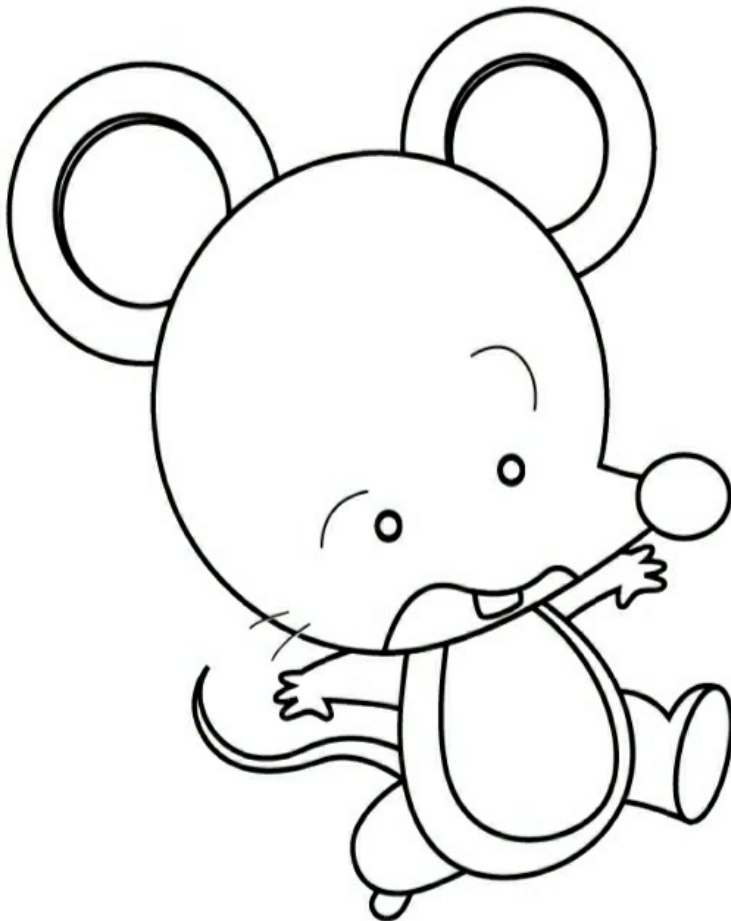
دود بد بو بود.

او با آدب بود.

سام با او بود.

با آسد بودم.

آب مسموم بود.



آب سَرَد بود.

سام دَر رُو دَبَار آست.

مادَر اَبَرُو دارَد.

بَرادَر دَرَس را دوست دارَد.

روستا آباد آست.

مار دَر روستا بود.

رودبار دور بود.

مار تَرَس دارَد.

سوسمار دَر آب بود.

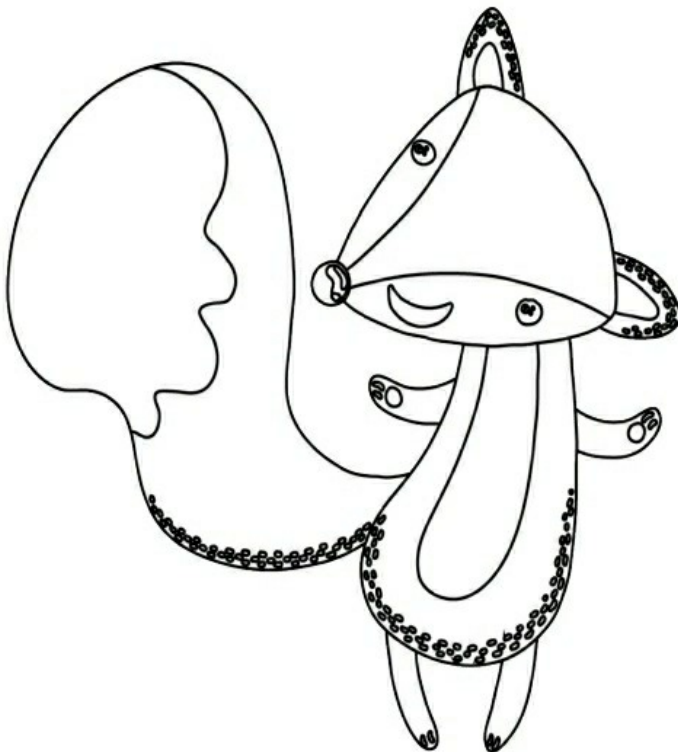
سام با مادَرَم دَر سَرما آمَد.

راسو بَدبو آست.

مادَر دَر دَسْت دارو دارَد.

اَسَد دَر سَبَد آرد دارَد.

بَرادَرَم آرام بود.



ز ن

نان - نَم نَم - باران - آسمان - آبادان - دندان - انار

آبان - مَن - آن

نام - نور - نَرَم - سوسَن - دامن - نادان - آسان - آرمان

مامان - بوستان - سامان - دانا - داستان - درمان

بادبان - آناناس - تنور - سَمَنو - بَنَدَر - آب نبات

مَن انار دارم.

آبر دَر آسمان است.

آدم دندان دارد.

مَن انار دَر دَسْت دارم.

باران نَم نَم آمد.

مَن دَرَس دارم.

مادر دَر دَسْت نان دارد.

آن مَرَد نان دارد.

دَر سَبَدِ اَنَارِ اَسْت.

دَر اَبَادانِ بارانِ اَمَد.

نانِ دَر تَنورِ اَسْت.

مَن دَاسْتانِ دوستِ دارَم.

سامانِ داناِ اَسْت.

داناِ اَدبِ دارَد.

ساراِ دامنِ دارَد.

مارِ دَندانِ دارَد.

اَرمانِ با سَمَنوِ اَمَد.

اَن اَبَرِ بارانِ دارَد.

اَن دَرَسِ اَسانِ اَسْت.

بَرادَرَمِ سامانِ نامِ دارَد.

سوَسَنِ اَناناسِ دوستِ نَدارَد.

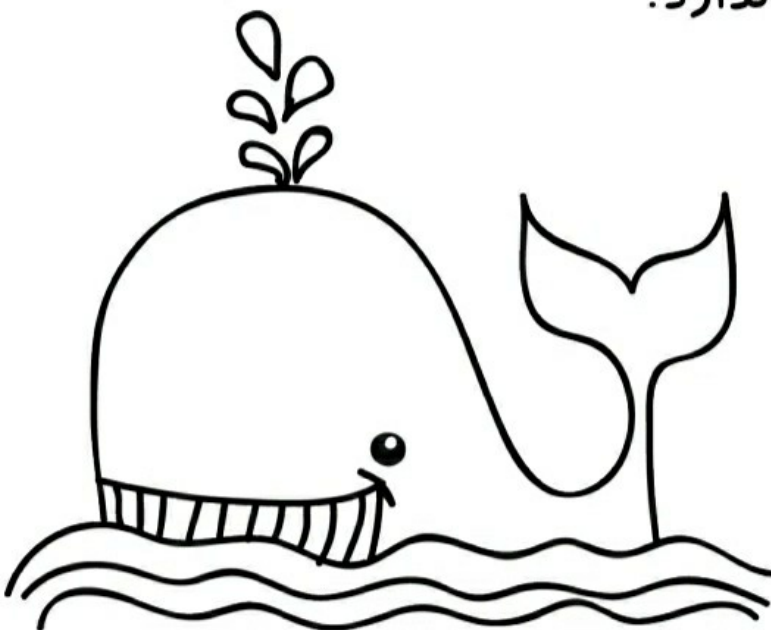
سامانِ با اَدبِ اَسْت.

نادانِ اَدبِ نَدارَد.

نانِ نَرَمِ بود.

مامانِ دَر بوستانِ بود.

او دَر بَنَدَرِ نَبود.



ز

سَرَباز - زَمین - زیبا - آزاد - زَنبور - سوزَن - میز - ترازو
 آز - زرد - سَبز - سَرَسَبز - زَری - بازی - سَبزی - دیروز
 زود - زَبان - زَد - بازار - می دوزَد - می سازَد
 باز - ساز - راز - روز - تیز - ریز - زور - بازو - زانو - زَنان
 نَماز - ایزَد - آرزان - آرزن - تَبریز - تَمیز - زین اسباب
 بازی - سیب زَمینی - دیزی - ماژنَداران - رو میزی - می زَنَد
 می سوزَد - می اندازَم - می ریزی

ایرانی آزاد است.

ایران سَرَسَبز است.

ایران آزاد است.

ما ایران را دوست داریم.

آمیر میز می سازَد.

زَری آنار را از زَمین بَر می دارَد.

مادَر با سوزَن دامن می دوزَد.

این روسری آبی است.

آمین بیرون ایستاد.

مینو دیر آمد.

در این سینی سیب نیست.

آسمان نورانی بود.

میترا تمرین دارد.

این آبادی دیدنی است.

مینا مامان را بوسید.

این بیماری درمان دارد.

آن مرد آسب را می راند.

باد آبر را می برد.

ایمان ترسو نیست.

آمین مردی دین دار است.

در ساری باران بارید.

مامان نیمرو دوست دارد.

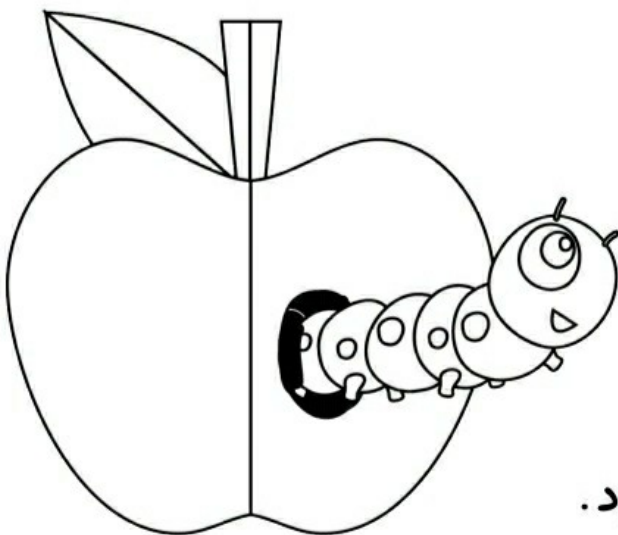
مینا بیمار بود.

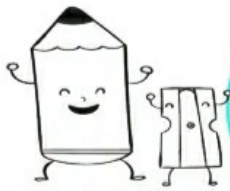
مینو سیر دوست ندارد.

آسمان آبری بود.

مادر من را می بوسد.

در آبادان باران نم می بارد.





ای ی ای

درس ۶

سیب - بیدار - بیداری - ایران - ایرانی - آمین - آبی

سینی - امیر - ایستاد - بر می دارد

این - دین - دیر - تیر - سیر - دیس - بیست - نیست

آری - توری - ساری - روسری - باربری - آبری - تنوری

بینی - بیمار - بیرون - مینا - مینو - سینا - دوستی - سیمی

ایمان - دیدار - دوربین - آبادی - بارانی - نورانی - بستنی

رو بوسی - نیمرو - می داند - می دانم - می بندی - می بیند

می ماند - می راند

ایران آباد است.

ایرانی بیدار است.

این نان تنوری است.

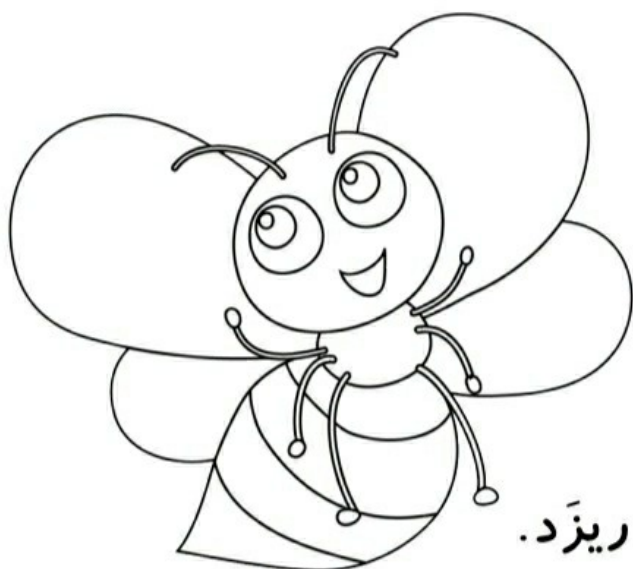
آمین با دوربین آسمان را می بیند.

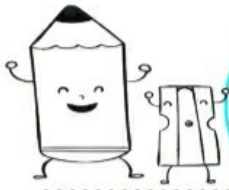
مینا سیب بر می دارد.

امیر بستنی دوست دارد.

سینا در ساری می ماند.

سَرَباز بَرزمین زانو می زَنَد.
 زَمین سَبز است.
 زَری دیروز از تَبریز آمَد.
 این زَن با دَسْت سَبَدی زیبا می سازَد.
 دیروز بازار بودَم.
 سَرَباز تیر می آنداَزَد.
 مَن نَماز دوست دارَم.
 زَنبور زَرَد است.
 سوزَن تیز است.
 اَمیر تَرازو دارَد.
 مینا با سوزَن رومیزی می دوزَد.
 برادرَم سَرَباز است.
 سارا ساز می زَنَد.
 زیبا تاب بازی دوست دارَد.
 ماژنَدَران سَر سَبز است.
 باد سوز دارَد.
 مادَر ، در دیزی سیب زَمینی می ریزَد.
 آن اَسب زین نَداَرَد.
 ایزَد دانا است.
 این روسَری تَمیز نیست.





ه

~

-

ا

درس ۷

اِمَام - اِنسان - مِداد - دَبِستان - دانه - مَدْرِسه - نَرده - تازه

سِتاره - آزاده - نامه ای - دانه ای - سِتاره ای - سبِدِ توت .

اِسْم - امروز - تابستان - زمستان - مِتر - نادر - آرزو - سه - دَسْتِه

بَسْتِه - بوسه - ماسه - زنانه - مردانه - نِمونه - ترانه - روزنامه

تابه - سودابه - ادامه - اندازه - سَبزه - موزه - رَنده - سوره

آماده - اداره - راننده - رَزْمنده - بَرنده - آمده

اِمَام به ایران آمَد .

اِمَام اِنسانی نِمونه بود .

مادَر روزِه دارَد .

زِمِستان سَرْد است .

دَبِستانِ ما زیبا است .

آرزو نامه ای به آزاده داد .

ایران ، سربازِ رَزْمنده دارَد .

آزاده با نانِ تازه به مَدْرِسه آمَد .

سارا دوستِ آزاده است .

آزاده مِدادِ آبی دارَد .

دامنِ او ساده است .